نحوه اعطاء قرآن به کربلائی کاظم؛ یک قرائت؟ یا تمام قرائات؟

آخرین سؤال من برای جلسه بعد، این است: قرآنی که به کربلائی کاظم داده شده بود، تنها یکی از اینها است؟ یا نه، طوری به او داده بودند که وقتی به حافظه‌اش می‌آمد، یک بار «و اوصی» می‌خواند و بار دیگر «و وصی» می‌خواند؟ یک بار «مالک» می‌خواند و بار دیگر «ملک» می‌خواند؟ کدام یک از اینها است؟ قرار شد هر کدام را بخواند، قرآن رایج باشد. چون مصحف عثمان است و ... . اما او کدام یک از آنها را می‌خواند؟ آن چه که هفته قبل عرض من بود و باید برای آن شاهدی بیاورم، این بود که وقتی از ناحیه غیب، به خرق عادت به او داده می‌شود، کلام خداوند در این محدوده به او داده می‌شود. وقتی هم که می‌خواهد ادا کند، او که خبر ندارد چه چیزی به او داده‌اند، ملائکه می‌بینند که به او چه داده شده، خود حضرت که در یک نقطه به او اعطاء کرده‌اند، می‌دانند چیست. اگر در آن نقطه همه اینها هست، نزل القرآن علی سبعه احرف می‌شود. سبعه احرف واقعی، نه سبعه احرفی که فرمودند کذبوا اعداء الله. سبعه احرفی مراد است که شیخ الطائفه فرمودند املح الوجوه است؛ اصلح الوجوه است. می‌گویند در آن اصلح الوجوه شیخ طوسی مگر «بزیاده و نقص» نبود؟! مگر هفت نوع نبود که شیخ فرموده بودند املح است؟! خب چه مانعی دارد وقتی قرآن را به او دادند، در شرائط مناسب حال او که قرائت می‌کند، از قرآن قرائت می‌کند و در آن جا هر چه را قرائت بکند، از قرآن جدا نخوانده است.

این را عرض کردم تا مقدمه‌ای باشد برای جواب دادن از فرمایش صاحب حدائق. صاحب حدائق می‌گوید یکی از ادله مهمی که می‌گوید این قرائات درست نیست، روایات متواتره ای است که می‌گوید قرآن کم‌بود دارد. نه کم‌بود در دو-سه کلمه، بلکه کم‌بود در آیات. آن جا این را عرض می‌کنم؛ با استشهاد به حرف «منها یستخرج القرآن» سعید بن علاقه؛ شما از همین مصحف عثمانی؛ حتی تنها از مصحف حفص، قرآن کریم این تاب را دارد که مصحف ورش را از آن استخراج کنید. از آن مصحف حمص را استخراج کنید. چرا؟ چون «منها یستخرج القرآن». آن چه که قرآن است. استخراج آن به چه صورت است؟ خب وقتی که ما نمی‌دانیم پس نیست؟! این شاگرد خاص امیرالمؤمنین به ما یاد داده است. می‌گوید از حروف مقطعه قرآن استخراج می‌شود. تمام قرآن، به تمام شعب و شئونش استخراج می‌شود. بنابراین مانعی ندارد چیزی به کربلائی کاظم بدهند که اگر بداند چه چیزی به او داده‌اند، وقتی دارد قرائت می‌کند، یکی از سبعه احرف قرآن کریم است. سبعه احرف، نه به‌معنای قرائات. به‌معنای سبعه احرفی که از متفرعات بر آن، قرائات متعدده است.

ابوالفضل رازی خیلی حرف عالی زد؛ گفت قرآن کریم تاب این را دارد که به تعداد امت اسلامیه مختار داشته باشد. چه کسی این حرف را می‌زند؟ کسی که یک عمر کارش تخصصی است. آن هم نه این‌که در معارف باشد. تخصص او در قرائات بوده است. یک وقت می‌گویی‌م که از معارف می‌گوید، خب این یک حرفی است. یک وقتی است که چون ابوالفضل رازی متخصص اقراء است و از شیوخ مهم مقرین است، می‌گوید در فضای قرائات تاب این هست که به تعداد افراد امت اسلامی مختار داشته باشیم. این حرف را در کنار حرف آن غربی بگذاری که در این فضا بچه است. گفته بود مضطرب

ترین متن کتب در طول تاریخ، قرآن است. من هم گفتم جمله امیرالمؤمنین را فوری در کنار آن بگذاری، ارزت این ذمه فمدحت. تو سردرنمی آوری که اینها به چه معنا است. قرائات چیست، تعددش از کجا است. اصلاً از رمز اینکه قرآن کریم به این صورت است و بسط در آن چیست، سر در نمیآوری لذا اسم آن را اضطراب میگذاری. اما وقتی سر در آوردی و توانستی که مبادی بحث را ببینی، میگویی مذمتی میکردم که مآلاً به انحصار قرآن در حروف مقطعه ختم شد. به انحصار قرآن در تعدد قرائاتی ختم شد که بسیار مهم است و امت اسلامی هم آن را مهم میدانست. نه اینکه متأسفانه از قرن یازدهم به بعد با توجه به مبانی حرف واحد، و روایت کذبوا اعداء الله، تضعیف شده است. این شاللهه فضای قبل از قرن یازدهم دوباره احیاء شود و عبارات این بزرگان علماء شیعه به ذهن امثال من طلبه تکرار شود.

بازبینی #2
ایجاد شده 29 آوریل 2024 15:48:35 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 ژوئن 2024 12:21:53 توسط ... .